

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۸۰ / ۱۱ / ۲۵

**دانشگاه تربیت معلم تهران**

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

موضوع

**«بررسی موانع قصاص در حقوق جزای اسلام»**

استاد راهنما

آقای دکتر جمشید جعفر پور

016282

استاد مشاور

آقای دکتر امیر وطنی

پژوهشگر

سید حسین میر ابوطالبی رکن آبادی

دی ۱۳۸۰

۳۹۴۵۰

## تقدیم به :

۱ - سلامت مقدس مولا و مقتدای عالم خلقت، یگانه منجی عالم بشریت، زنده کننده کتاب و مدود آن و امیاگر آثار دین و اهل آن، بقیة... الاعظم «مضرت حجة بن المسن المهدی»، رومی و ارواح العالمین له الفداء که امیدواریم خداوند متعال چشمانمان را به نور جمالش روشن و منور گرداند.

۲ - خورشید تابناک نهضت مبارک اسلامی حضرت امام خمینی (رضوانا... تعالی علیه)

۳ - محضر جمیع شهدای راه دین و قرآن مخصوصاً برادر شهید سید علیرضا و برادر مرحوم سید محمد میر ابوطالبی.

۴ - پدر بزرگوار و ارجمند و مادر دلسوز و مهربانم و همسر و فرزندان عزیزم که با تحمل سختیها و کمبودهای زندگی، این حقیر را در راه تحصیل علم و دانش و تدوین و تهیه این رساله یاری نمودند.

## سپاسگزاری :

حمد و سپاس بیکران ذات یکتایی را که به ما توفیق گام نهادن در راه تحصیل علم و دانش کرامت فرمود و حق دیگران را به ما شناساند و شکرگزاری از آنها را بر ما واجب نمود و آن را در ردیف شکرگزاری از ذات اقدس خود قرار داد.

بعد از حمد و سپاس ذات اقدس باری تعالی، وظیفه خود می دانم از اساتید دانشمند و فرزانه گروه الهیات و معارف اسلامی که این حقیر از لمعات دانش و اندیشه ایشان التذاذ یافت و جان گرفت تقدیر و تشکر کنم. ابتدا از استاد عزیزم جناب آقای دکتر جعفرپور که هم در دوران تحصیل افتخار تلمذ خدمتشان داشتم و هم قبول زحمت فرمودند و راهنمایی اینجانب را در تهیه این رساله بر عهده گرفتند کمال تشکر دارم. همچنین از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر وطنی که با بزرگواری خود مشاورت بنده را پذیرا شدند و زحمات زیادی در این راه متحمل گردیدند بسیار سپاسگزارم.

و از استاد معظم و بزرگوار حضرت آیت ... سید محمد موسوی بجنوردی که از محضر مبارکشان کسب فیض نمودم و نیز از مدیر محترم گروه الهیات استاد گرانقدر جناب آقای دکتر خوئینی و دیگر همکاران گرامیشان تشکر و قدردانی می شود. و در پایان برای تمامی دوستان و سرورانی که بنده را در مراحل تدوین و تهیه و تایپ و غلط گیری این رساله یاری کردند توفیق روز افزون از خداوند متعال خواستارم. به امید آنکه زحمات همگان مورد قبول درگاه حق واقع شود.

من ... التوفیق و علیه التکلان

سید حسین میرابوطالبی

نام خانوادگی دانشجو: میر ابوطالبی رکن آبادی      نام: سید حسین

عنوان پایان نامه: بررسی موانع قصاص در حقوق جزای اسلام

استاد راهنما: آقای دکتر جمشید جعفر پور  
استاد مشاور: آقای دکتر امیر وطنی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد      رشته: الهیات      گرایش: فقه و مبانی حقوق اسلامی  
دانشگاه تربیت معلم تهران      دانشکده: ادبیات و علوم انسانی  
تاریخ فارغ التحصیلی: ۸۰/۱۰/      تعداد صفحه: ۱۶۴

کلید واژه‌ها: قتل، مانع، قصاص، نفس، دفاع، ضمان، مجنی علیه، ولی دم.

### چکیده:

در شریعت اسلام با وضع واکنشهایی همچون قصاص و دیه، زندگانی دنیایی انسانها مورد حمایت کیفری قرار گرفته و در هر مورد، احکام خاصی وضع گردیده است.

وضع قواعد کیفری در شریعت و دین مبین اسلام منحصرأ در جهت تأمین خیر و سعادت و مصلحت جامعه است. آنچه در قرآن کریم تعبیر به «ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب» می شود برای حفظ سعادت جامعه و پیشگیری از ارتکاب جرم است. ولی باید توجه داشت که قصاص خشونت است که برای جلوگیری از تکرار خشونت بکار می رود.

هدف این پژوهش آن است که موانع قصاص را مورد بررسی قرار داده و در این باره تحقیقی جامع و کامل ارائه نماید.

تحقیق حاضر مشتمل بر ۶ فصل است که فصل اول تحت عنوان کلیات به معنی

قصاص و تاریخچه آن و قوانین جزائی عرب جاهلی و فلسفه قصاص و نیز اقسام قتل و صورت‌های مختلف قتل عمد و موجب و شرائط قصاص اشاره نموده است.

در فصل دوم، دیوانگی و عدم بلوغ و ابوت و مستی و خواب به عنوان موانع قصاص مورد بحث قرار گرفته و برای تأیید مطالب در اول این فصل حدیث رفع مطرح شده و احکام فقهی این موارد نیز درجا به جای این فصل به مناسبت ذکر شده است.

فصل سوم نظریات گوناگون راجع به قتل کافر بوسیله مسلمان و بالعکس مورد بحث قرار داده است. و در فصل چهارم دفاع مشروع و اینکه مدافع از جان و ناموس و حتی مال خود، اگر باعث قتل دیگری شود قصاص نمی‌گردد به طور مفصل مورد بحث واقع شده و نظرات فقهی و حقوقی بیان گردیده است.

در فصل پنجم از مهدور الدم بودن مقتول و اینکه چه کسانی مهدور الدم هستند سخن به میان آمده است.

در فصل ششم شرکت و معاونت و اکراه در قتل و همچنین رضایت مجنی علیه و نقش تقاضا و ترحم در قتل و اثر شبهه در قصاص نفس همراه با مسائلی دیگر مورد بحث قرار گرفته و در پایان در خصوص اینکه مصونیت دیپلماتیک به معنی عدم مسئولیت کیفری نمی‌باشد نکاتی بیان شده است.

به امید آنکه این مختصر پژوهش، مورد رضای خداوند و استفاده دانش پژوهان واقع شود.

## فهرست مطالب

عنوان صفحه

مقدمه ..... ۱

### فصل اول: کلیات

گفتار اول: «معنی قصاص» ..... ۹

گفتار دوم: «تاریخچه قصاص» ..... ۱۱

گفتار سوم: «قوانین جزائی عرب جاهلی» ..... ۱۷

گفتار چهارم: «فلسفه قصاص» ..... ۲۰

گفتار پنجم: «اقسام قتل» ..... ۲۳

گفتار ششم: «موجب قصاص» ..... ۲۷

گفتار هفتم: «صورت‌های مختلف قتل عمدی» ..... ۲۹

گفتار هشتم: «شرایط قصاص و تطبیق آن با قانون» ..... ۳۱

### فصل دوم: موانع قصاص

گفتار اول: «دیوانگی» ..... ۳۶

بند اول: «حدیث رفع» ..... ۳۶

بند دوم: «حکم کلی قاتل در حال دیوانگی» ..... ۳۷

گفتار دوم: «عدم بلوغ» ..... ۳۹

بند اول: «مسئولیت کودک» ..... ۳۹

بند دوم: «کودک و مجنون در روایات و دیدگاه حقوقی اسلام» ..... ۴۰

بند سوم: «اقوال علما در مورد قصاص مجنون و کودک» ..... ۴۳

گفتار سوم: «آبوت» ..... ۴۷

بند اول: «مانع قصاص بودن ابوت از دیدگاه روایات و علمای اسلام» ..... ۴۷

بند دوم: «فلسفه عدم قصاص پدر در برابر کشتن فرزند» ..... ۵۲

بند سوم: «شرکت پدر در قتل فرزند» ..... ۵۵

- بند چهارم: «فروعات» ..... ۵۷
- گفتار چهارم: «مستی» ..... ۵۹
- گفتار پنجم: «خواب» ..... ۶۱

### فصل سوّم: عدم تساوی در دین

- گفتار اول: «بررسی روائی» ..... ۶۴
- گفتار دوم: «کیفیت مانعیت عدم تساوی در دین» ..... ۶۶
- گفتار سوم: «جواز کشتن مسلمانی که عادت به کشتن کفار دارد» ..... ۷۰
- گفتار چهارم: «قتل ذمی به وسیله مرتد و برعکس» ..... ۷۳

### فصل چهارم: دفاع

- گفتار اول: «کلیاتی در مورد دفاع» ..... ۷۶
- گفتار دوم: «دفاع مشروع» ..... ۷۸
- بند اول: «تعریف دفاع مشروع» ..... ۷۸
- بند دوم: «اقسام دفاع مشروع و احکام آنها» ..... ۷۸
- گفتار سوم: «تحقق یافتن دفاع مشروع» ..... ۸۳

### فصل پنجم: مهدور الدّم

- گفتار اول: «تطبیق حکم فقهی و قانونی مهدور الدّم» ..... ۸۷
- گفتار دوم: «اشخاص مهدور الدّم» ..... ۸۹
- بند اول: «حربی» ..... ۸۹
- بند دوم: «مرتد» ..... ۹۰
- بند سوم: «زانی محصن» ..... ۹۲
- بند چهارم: «محارب» ..... ۹۵
- بند پنجم: «باغی» ..... ۱۰۰

## فصل ششم: موارد مورد بحث

- گفتار اول: «شرکت در قتل» ..... ۱۰۲
- گفتار دوم: «معاونت در جرم قتل» ..... ۱۰۴
- گفتار سوم: «قصاص چند تن در برابر یک تن» ..... ۱۰۷
- گفتار چهارم: «عفو کردن یا دیه گرفتن بعضی از اولیاء» ..... ۱۱۰
- گفتار پنجم: «صغیر بودن ولی دم» ..... ۱۱۷
- گفتار ششم: «اکراه در قتل» ..... ۱۱۸
- بند اول: «عدم تحقق اکراه در قتل» ..... ۱۱۸
- بند دوم: «قول عامه در مورد اکراه» ..... ۱۲۲
- گفتار هفتم: «ضمانت پزشک در معالجه» ..... ۱۲۴
- گفتار هشتم: «رضایت مجنی علیه» ..... ۱۳۰
- بند اول: «اثر رضایت مجنی علیه بر مسئولیت کیفری» ..... ۱۳۰
- بند دوم: «رضایت به قتل» ..... ۱۳۰
- گفتار نهم: «قتل از روی تقاضا و ترحم از دیدگاه حقوقی» ..... ۱۳۳
- گفتار دهم: «خارج کردن غیر در شب از منزلش» ..... ۱۳۵
- گفتار یازدهم: «اثر شبهه در قصاص نفس» ..... ۱۳۷
- گفتار دوازدهم: «اشتباه در قتل عمدی» ..... ۱۴۰
- گفتار سیزدهم: «مصونیت دیپلماتیک» ..... ۱۴۵
- «بیوست» ..... ۱۴۶
- بند اول: «قلمرو قوانین جزائی در مکان و نسبت به اشخاص» ..... ۱۴۶
- بند دوم: «استثنائات وارده بر اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری» ..... ۱۴۷
- بند سوم: «مصونیت قضائی مأموران دیپلماتیک» ..... ۱۴۸
- بند چهارم: «مصونیت قضائی جزائی مأموران دیپلماتیک» ..... ۱۵۰
- فهرست منابع و مآخذ ..... ۱۵۶

## مقدمه

«الحمد لله رب العالمين الذي شرع الحدود والقصاص والديات لرفع الفساد من بين العباد و الصلوه والسلام على خير خلقه، محمد واهل بيته خلفاء المعبود وشفعاء يوم الورد».

قتل از بزرگترین جنایات است که امنیت اجتماع را مختل می‌سازد و به همین جهت کیفر و عقوبت آن را شریعت مقدسه اسلام از شدیدترین کیفرها و عقوبتها در دنیا و عقبی مقرر نموده است.

قرآن کریم برای نفس انسان ارزش زیادی قائل شده است و در آیه ۳۱ از سوره مبارکه مائده خداوند عزوجل می‌فرماید:

«من اجل ذلك كتبنا على بني اسرائيل انه من قتل نفساً بغير نفس أو فساد في الارض فكأنما قتل الناس جميعاً و من احياها فكأنما احيا الناس جميعاً»

«به خاطر آن (به خاطر قتل هابیل) ما بر فرزندان اسرائیل مقرر داشتیم که: هر کس کسی را بدون اینکه دیگری کشته باشد یا در زمین فسادى نموده باشد بکشد چنان است که همه مردم را کشته است و هر کس یک نفر را از مرگ نجات دهد مثل این است که همه مردم را از مرگ نجات داده است».

به طوریکه این آیه مبارکه صراحت دارد «ارزش جان یک انسان» برابر جان همه انسانهای روی زمین

است به همین جهت احیای نفس مانند زنده کردن همه مردم و قتل نفس مانند کشتن همه انسانهاست. شریعت اسلامی همچنانکه قتل و کشتن دیگران را حرام کرده، خودکشی را نیز حرام نموده

است و خداوند متعال می‌فرماید «ولا تقتلوا النفس اللّتی حرم اللّهُ الآ بالحق»<sup>(۱)</sup>

«نفسی را که خداوند حرام کرده است مگر به حق نکشید» و خداوند در سوره نساء می‌فرماید: «خودتان را نکشید که خدا نسبت به شما رحیم است».

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هرکس خود را به وسیله آهن بکشد، در حالیکه با آن آهن به شکم خود می‌زند، برای همیشه در جهنم جاویدان خواهد بود، و هرکس خود را به وسیله سم بکشد، در حالیکه سم را به دست گرفته و جرعه جرعه مینوشد تا بمیرد، در آتش جهنم می‌ماند، و هرکس خود را از کوه پرت کرده و خودکشی کند، در حقیقت خود را در آتش جهنم پرتاب کرده است و برای همیشه در آن جاویدان است.»<sup>(۲)</sup>

متأسفانه در عصر کنونی برخی از دولتهای جنایتکار هر روز در گوشه و کنار جهان جنگ افروزی می‌کنند تا سلاحهای مرگبار خود را بیشتر بفروش برسانند و به غارت هرچه بیشتر مردم مستضعف دنیا پردازند و جان هزاران انسان بی‌گناه بر اثر جنایت آنها، گرفته می‌شود و کشورهای باصطلاح متمدن و مرفعی امروز جز آنجا که منافع آنان اقتضا نماید به اندازه انجمنهای حمایت از حیوانات که در دفاع از جانوران تلاش می‌کنند، از جان انسانها حمایت نمی‌کنند اما اندک تعمق و تأملی در آیه سی و یکم سوره مائده معلوم می‌گرداند که همه مردم، یک پیکر واحد محسوب شده و افراد جامعه به منزله اعضای آن پیکرند و قتل یک فرد که در ارتباط با این پیکر عظیم است، هجوم به حیات اجتماعی جامعه است. و به همین مناسبت حضرت رسول ا... (ص) در حجه الوداع فرمودند: ای مردم خونها و مالهای شما تا هنگامیکه خداوند متعال را ملاقات کنید مانند این روزتان، در این

ماهتان، در این شهرتان بر شما حرام است.<sup>(۱)</sup> و مفهومی این است که خداوند، خونها و اموال شما را محترم ساخته است مانند حرمت این شهر و حرمت این ماه و حرمت این روز. کسی که به حیات اجتماعی جامعه هجوم برد یاغی است و چون با جامعه در ستیز است به عنوان عضو جامعه شناخته نمی‌شود، زیرا بقای او با حیات جامعه در تضاد است و حکم به نابودی او می‌شود.

هیچ نظام اجتماعی به اندازه سیستم حقوقی اسلام، به حیات انسان و عمل قتل و مجازات قاتل، اهمیت نداده است. دین مقدس اسلام، از لحاظ اجتماعی و اخلاقی قتل را زشت‌ترین عمل انسانی در پیشگاه خداوند متعال معرفی کرده و برای قتل جزای دنیوی شدید قرار داده و در دنیای ابدی، وعده آتش جهنم را داده است.

قوانین جاری در میان افراد انسان اگر چه یک سلسله امور اعتباری و قراردادی است که مصالح اجتماع انسانی در آن رعایت شده، ولی در حقیقت علت اصلی و به وجود آورنده، همان طبیعت خارجی انسان است که او را به تکمیل نواقص و رفع نیازمندیهای وجودی دعوت می‌کند، و مسلم است که این واقعیت خارجی عبارت از کمیت و عددی که عارض به یک مشت افراد انسان می‌شود نیست، همچنانکه هیئت واحد اجتماعی افراد هم نیست، بلکه آن واقعیت خارجی که عامل وجود قوانین اجتماعی است، همان ذات انسان و طبیعت اوست و فرقی میان یک فرد و هزاران فرد مجتمع از نظر انسانیت نیست و از جهت وجودی وزن یک فرد و تمام افراد آن یکی است.

حب ذات جزء فطرت انسان است و با آنچه حیات او را در خطر می‌اندازد می‌جنگد و از هیچ چیز در این راه روگردان نیست، حتی حاضر است برای حفظ خود به قتل و اعدام نیز متوسل شود، و لذا فطرت هر انسانی به این معنی قضاوت می‌کند که شخص مهاجمی که قصد جان او کرده و جز با

کشتن نمی‌توان از او جلوگیری کرد، جایز القتل است.

هدف اسلام از مجازات مجرم هرگز انتقامجویی، یا زجر و شکنجه او نیست، بلکه توأم با اجرای یک رشته مقررات اخلاقی و تربیتی، می‌خواهد مجرم را اصلاح کند و دیگران را بعبرت وادارد. مصلحتی که در کیفر دادن در دین عدل و رحمت است در همین هدف خلاصه می‌شود. اگر مجازات برای فردی زیانبخش و دردناک است، ولی کسی نیست که نداند چه منافع گرانباری برای جامعه به دنبال دارد.

در روایات اهل بیت (ع) تأکید شده است که میان اقامه حدود الهی و بین نزول برکات آسمانی رابطه تکوینی وجود دارد و تعطیل و تأخیر اقامه کیفرهای الهی را عناد و ضدیت با خداوند متعال شمرده‌اند.

حضرت امام محمد باقر (ع) فرمودند: «اقامه یک حد در روی زمین، از باران چهل شبانه روز با برکت تر است».<sup>(۱)</sup>

در فرمایش حضرت امام باقر (ع) از باران سخن به میان آمده است زیرا همانگونه که بارانهای مداوم محیط طبیعی را پاک و پاکیزه می‌کند و گرد و غبار و آلودگیها را می‌زداید و زمین و هوا را برای رشد گیاهان و تنفس جانداران آماده می‌سازد، اقامه حدود الهی نیز در محیط اجتماعی چنین نقشی را بگونه‌ای عالیتر ایفا می‌نماید.

عبدالرحمن بن حجاج از حضرت امام کاظم (ع) در ذیل آیه کریمه: «یحیی الارض بعد موتها» یعنی «خداوند متعال زمین را بعد از مرگش زنده می‌کند» نقل نموده که آنحضرت (ع) فرمودند: «مراد از احیاء زمین در این آیه مبارکه، احیا با نزول باران نیست، بلکه مراد این است که خداوند متعال مردانی را بر می‌انگیزد که دادگری را احیا می‌کنند و بالمآل با احیاء عدل زمین جان می‌گیرد و زنده

می‌شود، و اقامه حد در زمین از باران چهل روز نافعتر است»<sup>(۱)</sup>

از حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در خبری نقل شده که فرمودند:<sup>(۲)</sup>

«از خطابه‌های خداوند متعال به پیمبرش (ص) این بوده که فرمود: ای محمد کسی که حدی از حدودم

را تعطیل کند بدون تردید به دشمنی من برخاسته و با این عمل، خواستار ضدیت با من است».

انسان پیوندی جدائی‌ناپذیر با مجموعه جهان دارد و اعمال وی - اعم از حسنات و سیئات

بالمشور در مجموعه عالم اثر بخش است، زیرا عضوی از اعضاء این پیکر عظیم است. اعمال پلید و

فسادانگیز انسان در این پیکر، آثار نامطلوب می‌گذارد و قیافه مجموعه هستی نسبت به جامعه فاسد و

پلید، خشمگین است و بالمآل گوشمالش می‌دهد و اعمال خیر و حسنات وی آثار مطلوب در نظام

هستی داشته و چهره آن را بروی شاداب و خندان می‌نماید و برکات الهی بر چنین جامعه‌ای نازل

می‌گردد.

اجرای حقوق کیفری و اقامه حدود الهی یک عمل جراحی است که از مقام ولایت امر بر پیکر

جامعه آلوده به سیئات واقع می‌شود، تا سلامت طبیعی خود را بازیابد و مستحق برکات عزت و

استقلال گردد.

نه تنها شرع مقدس اسلام قتل و کشتن یک انسان زنده را عملی زشت و ناهنجار می‌شناسد

بلکه در بسیاری از قوانین دنیا، کیفر قتل عمدی، تحت شرایطی خاص، اعدام می‌باشد.

در اجتماعات اولیه بشری که منافع اجتماعی و تشکیلات دولتی به معنای امروزی وجود

نداشته جامعه اصولاً در مجازات قتل مداخله نمی‌کرد.

در آن دوران مجنی علیه و یا اولیای او شخصاً از فرد مرتکب و خانواده او انتقام می‌گرفتند.

اغلب قتل نفسها منجر به جنگهای داخلی بین خانواده‌ها و یا قبایل می‌گردید و در نتیجه عمر بشری

اغلب قتل نفسها منجر به جنگهای داخلی بین خانواده‌ها و یا قبایل می‌گردید و در نتیجه عمر بشری در نا امنی و نگرانی دائمی سپری می‌شد.<sup>(۱)</sup>

با پیشرفت جوامع و متمدن‌تر شدن آنها، روابط افراد روز به روز پیچیده‌تر شده و دخالت دول به نحو چشمگیری محسوس می‌گردید. از این به بعد جرم قتل به عنوان مهمترین جنایت عمومی شناخته شده و برای آن مجازات قصاص تعیین شده است. ویل دورانت در بررسی قانون حمورابی می‌نویسد: «مجازات در ابتدای کار، مبتنی بر اصل قصاص بود. اگر کسی دندان مرد آزاد شریفی را می‌شکست، یا چشم او را کور می‌کرد، یا اندامی از او را عیناک می‌ساخت، همان گزند را به وی می‌رسانیدند. هرگاه خانه‌ای فرو می‌ریخت و مالک خانه کشته می‌شد، معمار یا سازنده آن محکوم به مرگ بود. اگر در نتیجه ویرانی خانه، پسر صاحبخانه کشته می‌شد، پسر معمار یا سازنده آنرا می‌کشتند. اگر کسی دختری را می‌زد و می‌کشت، به خودش کاری نداشتند بلکه دخترش را به قتل می‌رسانیدند.<sup>(۲)</sup>

در ایران قدیم قاتل را قصاص می‌کردند و در موردی که قصاص لازم می‌آمد، پادشاه حق عفو نداشت. تنها والدین مقتول می‌توانستند از قصاص صرف‌نظر کنند و خونبها بگیرند. خونبهای مقتول، میان وارثان او تقسیم می‌شد. تمام افراد خانواده در مقابل دولت، مسئولیت تضامنی داشتند و مجازات کسی که خیانت می‌کرد یا از جنگ می‌گریخت، از خدمت نظامی سرباز می‌زد و یا آیین ملی را ترک می‌گفت اعدام بود.<sup>(۳)</sup>

در اسلام مانند بعضی دیگر از ادیان و نظامهای فکری باستانی، اصل قصاص یا مقابله به مثل وجود دارد و مواردی که برای آن قصاص تعیین شده قتل عمدی و ضرب و جرح عمدی است. در مورد این

۱- باد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، ج ۱، ص ۲۳. ۲- دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۲۷۳.

۳- خزائلی، محمد، احکام قرآن، ص ۶۰۹.